info@payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام آشنا

شماره ۲۴۳۸
سه‌شنبه / ۲۸ آذر / ۱۴۰۲
۵ / جمادی الثانیه / ۱۴۴۵
19 / December / 2023

صاحب‌امتیاز: موسسه همگامان قدس شهر زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: باهره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۲۸۳۸-۳۲۵۳۲۴۴۴ - ۰۲۶ فکس: ۳۲۵۳۰۱۰۱
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۵۸/۲۳
چاپ: کارگر

خواندنی

امروز با حافظ

پیرِ ما گفت خطا بر قلم صُنع نرفت
آفرین بر نظر پاکِ خطاپوشش باد
شاه‌ئرکان سخن مدعیان می‌شنَوَد
شرمی از مَظلِمه خونِ سیاوُوشش باد

حزین لاهیجی

ای دل به عهد سست حیات اعتماد نیست
امروز گیرد الفت و فردا به هم خورد

حزین لاهیجی

فرازی از

اوقات شرعی فردا

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۵:۴۱	۰۷:۱۱	۱۲:۰۳	۱۶:۵۵	۱۷:۱۵

برگه

زندگی کشف خود نیست، ساختن خود است...

جرج برنارد شاو

گزارش روز

تاکتیک‌های روانی اسرائیل در جنگ غزه

در جنگ غزه هر چه جلوتر می‌رویم، بیشتر با عملیات روانی رژیم صهیونیستی مواجه می‌شویم تا جایی که با دو تصویر کاملاً متفاوت در صحنه عملیات و در صحنه بیگ‌بها روبه‌رو هستیم

به گزارش پیام آشنا به نقل از کیهان، البته می‌دانیم که بطور کلی جنگ ترکیب عملیات نظامی و عملیات روانی است و هر دشمنی تلاش می‌کند با انجام یک سلسله اقدامات، ذهن حریف خود را به سستی سوق داده و با هزینه کمتر بر آن غالب گردد و نیز یکی از شگردهای دشمن برای پوشاندن نقاط ضعف خود و ممانعت از استفاده حریف از آن بهره‌گیری از عملیات روانی است. جنگ غزه نیز از این قاعده مستثنی نیست. اما تکیه به عملیات روانی در این جنگ فراتر از این حدود می‌باشد. رژیم صهیونیستی در حالی که طی ۷۰ روز نتوانسته برای استرداد آنچه در ۱۵ مهر از دست دادهم، دستاوردی پیدا کند، تصویری از خود ارائه می‌دهد که گویا کار را به اتمام رسانده است!

در این خصوص گفتنی است:

۱- رژیم صهیونیستی وقموه می‌کند می‌تواند از طریق به‌پواز آمده توان‌های مقاومت را از بین برده و به نیروها، انبارهای تسلیحاتی و سازمان مقاومت ضربه بزند کند بعد چند تصویر از لوله‌هایی که یک سر آن در مدیترانه است را نشان داده، آن را به عنوان آغاز عملیات تخریب توان‌ها یاد می‌کند در این میان از آنجا که اکثر مخاطبان تصور روشنی از موضوع توان‌ها ندارند، باور می‌کنند که کار مقاومت ساخته است و این در حالی است که بیش از ۲۰ سال است توان‌ها برای مقاومت یک سلاح راهبردی و برای رژیم یک خطر اساسی می‌باشند و اسرائیل اگر می‌توانست و راهی به این اسانی در اختیار او وجود داشت، این راحلی دو دهه، تحمل نمی‌کرد. از سوی دیگر این توان‌ها، توان‌های آبیاری نیستند توان‌های نظامی‌اند که در آن انواعی از تمهیدات فنی از جمله تکنیک‌هایی برای مقابله با نفوذ آب در نظر گرفته شده است.

۲- رژیم صهیونیستی با جار و جنجال و تبلیغات وقموه می‌کند در حال نزدیک شدن به نقطه‌ای است که حماس ناگزیر است دست‌های خود را به علامت تسلیم بالا ببرد. برای اینکه این ناکتیک عملیات روانی جا باز کند، از تکنیک دروغ‌پردازی در حجم شهدای مقاومت استفاده می‌کند. چرا که در صحنه نبرد برای کسی که در صحنه نیست و اصلی هم برای ارزیابی در اختیار ندارد، امکان ارزیابی درست و یا غلط بودن ادعایی از این نوع، تقریباً غیرممکن است. رژیم غاصب در مورد آمار کشته‌های نظامی خود نیز به تکنیک دروغ متوسل شده و اربی خبری مخاطب عمومی سوءاستفاده کرده و آن رابسیار ناچیز معرفی می‌کند و گاهی حتی به آن سیر قهقرایی می‌دهد تا جایی که بعضی به طنز گفته‌اند از دیروز تا امروز دو کشته اسرائیلی زنده شده است!

دلیل توسل به دستکاری در مورد کشته‌های جنگ غزه این است که برای یهودیان «کشته دادن» یک مسئله غیرقابل اغماض است و اگر مورد کنترل قرار نگیرد، به یک بحران برای رژیم و ارزش تبدیل می‌شود. رژیم اسرائیل برای مدیریت صحنه، آمار تعداد شهدا را چندین برابر افزایش و آمار تعداد تلفات خود را چندین برابر کاهش می‌دهد. این در حالی است که ارتش اسرائیل پیش از مقاومت ناگزیر به اشکارسازی نیروهای خود در میدان است و این اشکارسازی سبب افزایش تلفات انسانی و نیز تجهیزات نظامی می‌گردد. جالب این است که کاهشی نشان دادن روند تلفات ارتش اسرائیل در جنگ غزه در حالی صورت می‌گیرد که اسرائیل در هفته‌های اخیر بر حجم نیروهای زرهی و زره‌پوش‌های خود در میدان غزه افزوده و به حدود دوبرابر رسانده است. آمار تلفات دشمن در حالی که پایک حساب روانگشتی رو به افزایش نهاده در آمارهای ارتش اسرائیل رو به کاهش نشان داده می‌شود.

در همان حال یک وسیله اندازه‌گیری صحنه، مقاومت غزه و روند اقدامات تهاجمی آن است. اگر آن گونه که رژیم ادعا می‌کند به مقاومت غزه ضربه اساسی وارد شده است ما باید طی روزهای اخیر شاهد کاهش اقدامات نظامی حماس باشیم و این در حالی است که به اعتراف دشمن روند شلیک‌های حماس بسمت مناطق و پایگاه‌های اسرائیل افزایش دارد و در صحنه نظامی نیز نسبت به مقطع اول جنگ، بین ۲۰ تا ۳۰ درصد به عملیات‌های تهاجمی مقاومت در غزه افزوده شده است.

۳- یکی دیگر از تکنیک‌های عملیات روانی مربوط به دوره درگیری است ارتش غاصب در ادعا را کنار هم مطرح می‌کند؛ یک ادعا این است که مقاومت غزه آسیب اساسی دیده است و ادعای دیگر که نقیض این است، مبتنی بر ادعای تمایل ارتش اسرائیل به ادامه جنگ علی غزه ضعیف شده است، باید دوره جنگ کاهش پیدا کند نه اینکه اسرائیل بگوید، چندین ماه و شاید بیش از یک سال دیگر می‌جنگیم، تا هدف خود که ریشه‌کن کردن حماس است را محقق گردانیم. این دو ادعا برای چه مطرح می‌شوند؟ برای اینکه اسرائیل می‌داند از بمباران‌ها و حضور سنگین زمینی خود در کوتاهمدت و میان‌مدت نتیجه نمی‌گیرد و باید ارتش خود را به امید دستیابی به نتیجه، پای کار نگه دارد و در ضمن به قدرت‌های پشتیبان خود بگوید مقداری صبر کنید کار دارد به نتیجه می‌رسد.

اما واقعیت این است که در ارتش رژیم، امید به موفقیت رو به پایان است. ارتش اسرائیل با دشمنی که آن را می‌شناسد درگیر است و می‌داند که این دشمن برای آرمان‌هایش می‌ایستد و به هر کاری که لازم باشد دست می‌زند. بنابراین نتایلهو با تغییر رنگ تصویر نمی‌تواند ماهیت آن را برای ارتشی که بارها طعم تلخ شکست از مقاومت فلسطین چشیده، تغییر دهد. این ارتش البته به اجبار می‌جنگد و گاهی پایش به تنانر و سنگلس پالیکوپی هم می‌رسد اما گوش آن روی غرش‌های پیاپی موشک‌های ضدتانک مقاومت بسته نیست. نتانیاهو با این ارتش و تانترهای آن نمی‌تواند پیروزی را محقق کند اما مایل است به امید پیدا شدن راهی، همه را سرگرم نگه دارد تا پیرو در تعریف یک صحنه دو لداهای متناقض بیان می‌کند.

مقاومت در غزه اصولاً در زیرزمین و نیز در بین جمعیت است. مهمات آن در زیرزمین و بخش عمده‌ای از نیروهای عملیاتی آن زیرزمین قرار دارند. این نیروها با تجهیزات خاص مخابراتی به بیرون وصل هستند و به شکار موقعیت‌ها پرداخته و در لحظه‌ای که باید وارد صحنه می‌شوند، ضربه خود را می‌زنند و باز می‌گردند. اما طرف مقابل در حالی که هیچ اطلاعی از زیرزمین ندارد تا بتواند به آن آسیب بزند، در معرض هجوم مقاومت غزه از پایین و از بالا قرار دارد. کاملاً واضح است که در این صحنه نسبت آسیب چه طرفی بیشتر است.

عملیات روانی اسرائیل کلمی به طور دقیق جنگ خواهد کرد. شاید در هفته‌های اول، ارتش اسرائیل گمان می‌کرد تانک‌های برتری دارند و در چند هفته بیشتر نخواهد بود اما حالا که از شلیک‌های مقاومت و به سختی پیش می‌رود.

۴- یکی دیگر از جنبه‌های عملیات روانی رژیم غاصب این است که خود را «ربا» معرفی می‌نماید. بر این اساس مقامات نظامی و امنیتی اسرائیل - در یک روند معکوس - بیش از مقامات سیاسی آن در عرصه رسانه‌ها و اظهارنظرها ظاهر شده‌اند. نیروهای نظامی - امنیتی کار را در میدان جنگ انجام می‌دهند و اگر دستاوردی داشتند، مقامات سیاسی و رسانه‌ای به سخن درمی‌آیند.

اما در زمانی که دستاورد نظامی وجود ندارد و به این دلیل بخش نظامی تحت فشار بخش سیاسی قرار می‌گیرد، فرماندهان نظامی برای پر کردن خلأ به سرگرمسازی مخاطب و برجسته‌نمایی اقدامات و راهبردهای خود می‌پردازند. در این صحنه ما شاهد اظهارنظرهای روزانه مقامات نظامی اسرائیل هستیم و رسانه‌های مختلف با عبارات «تالاتالات گفت»، «ضحکوی ارتش گفت»، «فیزنکوت گفت» و- هر روز خبر می‌دهند و «نزدیک شدن به تلاوی حماس» به ترجیع بندشان تبدیل شده است. کاملاً واضح است که فرماندهان ارتش در حال پوشاندن ضعف‌های سقوط خود در مقابل حماس می‌باشند و اگر تصویری از پیروزی وجود داشت، آنان را از اظهارنظر و سوگند خوردن به تلمود بی‌نیاز می‌کرد. ارتش اسرائیل با دو لشکر و دو تیپ ویژه، نزدیک به ۷۰ روز است در گیر سیطره بر ۳۶۰ کیلومتر مربع می‌باشد. اگر در این دوران، روزانه تنها پنج کیلومتر مربع یعنی، به ازای هر کدام از ۱۴ تیپ درگیر در جنگ غزه روزانه ۳۵۷ مترمربع را به تصرف درآورده بود، اینک کل این منطقه در تصرف آن قرار داشت اسادر طول ۷۰ روز و با بهره‌گیری از ۱۴ یگان نظامی یعنی ۱۴ تیپ و با وجود استفاده شدید از بمب‌افکن‌ها کمتر از ۱۰۰ کیلومترمربع از کل حجم غزه را صحنه تاخت و تاز کرده و بر یک کیلومتر آن هم تسلط ندارد و در همه جا در حال ضربه خوردن می‌باشد.

این ارتش علی‌رغم گذشت ۷۰ روز که طولانی‌ترین جنگ رژیم از ۱۹۳۰/۱۹۵۰ تاکنون می‌باشد، بطور مطلق با ناکامی مواجه بوده است. فرماندهان ارتش برای آنکه این حقارت به چشم نیاید از یک‌سو هر روز وعده فردا می‌دهند و از سوی دیگر خود را در کانون فرمول حل مسئله معرفی می‌نمایند. ارتش در حالی که نتانیاهو را برای به نتیجه رساندن راحل سیالی تحت فشار قرار داده و به این اساس رئیس موساد در دوحه خیمه زده است، وقموه می‌کند آتش‌بس را تنها با تحقق آزادی اسرا قبول خواهد کرد. بر این اساس صفحات رسانه‌ها پرشده از عبارانی نظیر «تالاتالات گفت» «تحقق آتش‌بس بدون آزادی اسرا برقرار نخواهد شد».

این‌ها را ارتش برای سرپا دیده شدن نیاز دارد اما وقعیت این است که اینکار جدا دست حماس است و حماس رژیم اسرائیل را وادار به توقف جنگ خواهد کرد. شاید در هفته‌های اول، ارتش اسرائیل گمان می‌کرد تانک‌های برتری دارند و در چند هفته بیشتر نخواهد بود اما حالا که از شلیک‌های مقاومت و به سختی پیش می‌رود.

۴- یکی دیگر از جنبه‌های عملیات روانی رژیم غاصب این است که خود را «ربا» معرفی می‌نماید. بر این اساس مقامات نظامی و امنیتی اسرائیل - در یک روند معکوس - بیش از مقامات سیاسی آن در عرصه رسانه‌ها و اظهارنظرها ظاهر شده‌اند. نیروهای نظامی - امنیتی کار را در میدان جنگ انجام می‌دهند و اگر دستاوردی داشتند، مقامات سیاسی و رسانه‌ای به سخن درمی‌آیند.

اما وقعیت این است که در ارتش رژیم، امید به موفقیت رو به پایان است. ارتش اسرائیل با دشمنی که آن را می‌شناسد درگیر است و می‌داند که این دشمن برای آرمان‌هایش می‌ایستد و به هر کاری که لازم باشد دست می‌زند. بنابراین نتانیاهو با تغییر رنگ تصویر نمی‌تواند ماهیت آن را برای ارتشی که بارها طعم تلخ شکست از مقاومت فلسطین چشیده، تغییر دهد. این ارتش البته به اجبار می‌جنگد و گاهی پایش به تنانر و سنگلس پالیکوپی هم می‌رسد اما گوش آن روی غرش‌های پیاپی موشک‌های ضدتانک مقاومت بسته نیست. نتانیاهو با این ارتش و تانترهای آن نمی‌تواند پیروزی را محقق کند اما مایل است به امید پیدا شدن راهی، همه را سرگرم نگه دارد تا پیرو در تعریف یک صحنه دو لداهای متناقض بیان می‌کند.

اشاره

تخت گاز به سمت پیری

با وجود این که چند دهمین جلسات قرارگاه جمعیت کشور برگزار شده و در حالی که سال‌هاست درخصوص بحران سالمندی کشور هشدارهایی داده شده اما همچنان موضوع رونق رو به پایین جمعیت کشور همچون کابالی بر سرمرکم دست به دست می‌شود در این بین حنود دوسال هم از نصوب قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت گذشته ولی هنوز تأثیرات آن را روی آمار و ارقام جمعیتی کشور ندیده‌ایم و همچنان در سرازیری سالمندی جمعیت بسر می‌بریم.

به گزارش پیام آشنا به نقل از جام جم، از سوی دیگر پس از تصویب قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت می‌شود گفت با اعلام برخی از شاخص‌های جمعیت همچون فزایش نرخ باروری در سال گذشته، کوروسی امیدی ایجاد شد اما همچنان تصویر کلان جمعیتی کشور، نشان دهنده سالخوردگی است و باید تا زمان را از دست ندهاییم. رفتارهای موجود را عملیاتی کنیم. به همین منظور و برای بررسی بیشتر وضعیت جمعیتی کشور، سرلع صالح قلمی، مدیر مرکز مطالعات راهبردی جمعیت کشور رفتیم تا از جزئیات این مسأله بیشتر مطلع شویم.

با نوجه به این‌که حدود دو سالی از ابلاغ قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت می‌گذرد آیا در کشور با بهبود آمارها و شاخص‌های جمعیتی روبه‌رو هستیم؟

دو سال است که قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت ابلاغ شده اما از نظر من این زمان برای ارزیابی و قضاوت دقیق توفیق یا عدم توفیق این قانون کافی نیست. باید کمی صبر کنیم اما در همین دو سال برخی از فعالان عیندوار کننده رخ داده که اگر تداوم نداشته باشد این روند رو به رو هم دست می‌دهیم. این اتفاقات حاکی از آن است که در روند کاهش تولدها، میزان آن کم شده، نه این‌که افزایشی شده باشد اما وقتی ما سالی حدودی از ۱۷۰ هزار تا ۶۰هزار کاهش را تجربه می‌کردیم حالا به عدد ۳۰ و لدی هزار کاهش رسیده‌ایم و میزان و شیب تعداد تولدها کمتر شده است. همچنین در سال ۱۴۰۱ نسبت به سال ۱۴۰۰ تولد فرزندان سوم و چهارم نسبت به سال‌های گذشته افزایش یافته است. این موارد از نظرموض خوب است تا بتوانیم درخصوص این قانون عیندوار بگوییم که گرینشی لازم را پیدا کنند.

وضعیت جمعیتی کشور را در حال حاضر چگونه ارزیابی می‌کنید؟ اگر بخواهید یک سیمایی از این وضعیت ارائه دهید در حال حاضر اوضاع آن چگونه است؟

اکنون همه شاخص‌های جمعیتی رکورددار هستند و روند آن هم منفی و کاهشی است. در واقع نرخ رشد جمعیت ۰۶ درصد است و تا سال ۱۴۱۵ به صفر می‌رسد و پس از آن نیز منفی خواهد شد. همچنین نرخ باروری ما به ۱.۶ فرزند به ازای هر زن رسیده که کمتر از دو فرزند و زیر سطح جانشینی است که این هم یک رکورد در طول تاریخ جمعیتی کشور و در بین همه کشورهای اسلامی محسوب می‌شود. در این میان روند کاهشی تعداد مواید و روند افزایشی شدید و محسوس ساخوردگی جمعیت در ایران قابل توجه است. در حال حاضر ۲۳ درصد جمعیت کشور بالای ۶۰سال و سالمند هستند اما تا حدود دو دهه آینده این عدد به حدود ۳۰ درصد خواهد رسید و به عبارت دیگر یک سوم جامعه ایران سالمند خواهند شد. سال‌ملت هشدارهای جمعیتی از سوی کارشناسان مطرح می‌شود و اثر جدی گرفته نشود به یک بحران همه جانبه اقتصادی اجتماعی تبدیل می‌شود.

به نظر شما چقدر تا بسته شدن پنجره جمعیتی کشور فرصت داریم؟ اگر این پنجره بسته شود، آیا ما به سامچاتاه جمعیتی می‌افتیم و چاره‌ای برای ترمیم نداریم؟

فرصت پنجره جمعیتی و دو منفذ اقتصادی و باروری تعریف می‌شود. ازمنظر اقتصادی مبنای آن، سنین کار و فعالیت بعد، یعنی ۱۵ تا ۶۴ سال است و ما تا حوالی سال ۱۴۲۰ پنجره جمعیتی‌مان باز می‌شود. اما بلحاظ باروری باید بحث جمعیت ۱۵ تا ۴۹ سال که سنین کار و فعالیت هستند، سنین متعارف باروری یعنی از ۲۲ تا ۳۸ سالگی را قرار دهیم. اگر این بازه به این امداد تبدیل شود، پنجره باروری می‌شود. باین توصیف احداکثر پنج تا شش سال زمان طلایی خواهیم داشت. البته نه به این معنی که پس از این سال‌ها نمی‌شود کاری کرد اما این فرصت طلایی است که می‌توانیم در آن شاخص‌ها و الگوی فرزندآوری را اصلاح کنیم.

به نظر می‌رسد طیف نظرات مختلف، قانون جوانی جمعیت خیلی در بهبود شاخص‌های جمعیتی موفق عمل نکرده است، شما به عنوان یک صاحب نظر در این حوزه سهم شاخص‌های اقتصادی و فرهنگی را در تشویق امر جمعیت چگونه می‌بینید؟ بیشتر کدام عامل منجر به عدم تمایل خانواده‌ها به فرزندآوری شده است؟ اقتصادی یا فرهنگی؟

موضوع جمعیت دارای چند متغیر است و این که فکر کنیم مسأله فقط مربوط به اقتصاد یا فرهنگ می‌شود یک ساده اندیشی و سادهنگری است. ۴۷ فاکتور روی جمعیت تأثیر دارد. مهم‌ترین آنها شدت‌های تأثیر و متغیرها در حوزه فرهنگ و اقتصاد محسوب می‌شوند. آنچه از نگاه مردم ما به آن می‌شود همه مسأله اقتصادی است. در حالی که ما می‌گوییم موضوع حتما اقتصادی است اما فقط به این مسأله مربوط نمی‌شود ولی چون شاخص‌های فرهنگی محسوس نیستند جامعه آنها را حس نمی‌کند. ما می‌گوییم مجموعه‌ای از متغیرهای حوزه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، خانوادگی، سیاسی و بسیاری از شاخص‌های دیگر در این موضوع نقش دارند. ما هم باید در راهکارهای برون رفت از این بحران یک سیاست جامع داشته باشیم.

نقش دولت‌های مختلف در اصلاح و ترمیم سیمای جمعیتی کشور را چگونه می‌بینید؟

نقش دولت‌ها در حد اجرای قانون وسیله است. اما نقش گروه‌های واسطه و مردم نهاد را در این مسأله بسیار مؤثر می‌دانم. چرا که مردم نسبت به این گروه‌ها به دلیل حاکمیتی نبودن، زاویه و نگرش خاصی ندارند و این گروه‌ها می‌توانند در اصلاح نگرش و باز کردن گره‌های ذهنی خانواده‌ها بسیار مفید باشند. اما حتما باید حاکمیت از منظر اقتصادی و به لحاظ قانونی ورود پیدا کند و این گروه‌ها هم مطالبه قانونی دولت را انجام دهند.

پس راهکار اصلی چیست؟

باید یک گفتمان اجتماعی در این ارتباط داشته باشیم که مؤفقان و مخالفان در این خصوص صحبت کنند. موضوع جمعیت باید دفع و در جلسه‌ای از اندیشمنی و نظریه‌پردازی باید برگزار شود تا مخالفان و موافقان در آن بتوانند حرف‌های خود را مطرح کنند. اثر به این شکل بتوانیم موضوع را ورق‌زنی کنیم، قطعا زمینه اصلاح نگرش هم شکل خواهد گرفت.

مکث

پاسخ به یک شبهه تقویمی

در سال‌های اخیر در ایام فاطمیه، تصاویری از یک تقویم مربوط به سال‌ها پیش در فضای مجازی بازنشر می‌شود که در آن عبارت «وفات» حضرت زهرا(س) به چشم می‌خورد. ظاهراً قصد بازنشرکنندگان تصویر تقویم سال ۱۳۷۳ آن است که ثابت کنند در گذشته همه به وفات حضرت زهرا(س) اعتقاد داشته‌اند و در سال‌های اخیر موضوع «شهادت» ایشان مطرح شده است. البته در برای این شبهه شبهاتی دیگر هم هست که در جای خود به آن خواهیم پرداخت.

به گزارش پیام آشنا به نقل از روزنامه جوان، اما آیا واقعاً شهادت حضرت زهرا(س) سابقه‌ای در تاریخ ندارد و ساخته سال‌های اخیر است؟ مراجعه مختصری به کتاب‌های تاریخی مختلف تشیع و تسنن خلاف این ادعا را ثابت می‌کند. در بسیاری از کتاب‌های اهل‌سنت مستندتایی به چشم می‌خورد که حاکی از وجود اعتقاد به شهادت و نه مرگ طبیعی حضرت(س) است. به‌عنوان نمونه ابراهیم بن محمد جوینی (۶۴۴- ۷۳۰) عالم اهل‌سنت پیرو شافعی در کتاب «فرائدالسّمطین» از پیامبر اکرم (ص) نقل می‌کند که فرمود: «فتکون اوّل من یلحقنی من اهل‌بیتی فتقدم علی محزونة مکروبة مغمومة مقتولة. (فاطمه) اولین کسی از اهل‌بیتم است که به من ملحق می‌گردد، پس بر من وارد می‌شود، محزون، مکروب، مغموم، مقتول.» وجود کلمه «مقتول» در این روایت به‌روشنی نشانگر شهادت و غیرطبیعی بودن درگذشت حضرت است.

ابن ابی شیبه در کتاب «المصنف» از ابن قتیبه دینوری در کتاب «الامامة والسیاسة» و بسیاری از مورخان معروف اهل‌سنت در کتاب‌های خود ماجرای حمله به خانه حضرت را که به شهادت محسن فرزند آن حضرت نیز منجر شد با ذکر جزئیات تلخ آن نقل کرده‌اند. محدثان و مورخان شیعه نیز در طول ۱۴ قرن گذشته در هزاران کتاب روایی و تاریخی خود مصائب و رنج‌هایی را که بر حضرت صدیقه کبری (س) در روزهای تلخ پس از رحلت پیامبر (ص) رفت با جزئیات ذکر کرده‌اند. در واقع شهادت حضرت زهرا امری است که در طول قرن‌های متمادی برای محبان اهل‌بیت (ع) ثابت شده است.

پس ماجرای درج کلمه «وفات» در تقویم‌ها چیست؟ واقعیت آن است که مناسبت‌های مذهبی مندرج در تقویم‌ها عمدتاً ریشه در تقویمی دارد که پیش از پیروزی انقلاب اسلامی رسمیت داشته و پس از انقلاب فقط مناسبت‌های مربوط به خاندان پهلوی حذف شد. ازاین‌رو مناسبت‌های مذهبی تا مدتها بر اساس مندرجات تقویم پیش از انقلاب بود و به‌تدریج اصلاح گردید. بنابراین، وجود کلمه «وفات» در تقویم‌های سال‌های اول انقلاب به این معنا نیست که لزوماً علمای مبرز تاریخ اسلام از حوزه‌های علمیه آن را وضع کرده‌اند، بلکه صرفاً غفلتی نسبت به تقویمی بوده است که از قبل از انقلاب رسمیت داشته است.

این‌ها در حالی است که حضرت امام خمینی (ره) در همان سال‌های اول پیروزی انقلاب در ایام فاطمیه در ۱۸ اسفند ۱۳۶۰ مطابق با ۱۳ جمادی‌الاول ۱۴۰۲ قمری با لفظ «شهادت» از این مناسبت یاد می‌کنند و می‌فرمایند: «من هم وفات و شهادت بانوی بزرگ اسلام را بر همه مسلمین و بر شما برادران عزیز ارتشی، سپاهی و بسیج و بر حضرت بقیه الله - ارواحنافداه - تسلیت عرض می‌کنم.»

اما آیا چون در تقویم به میراث رسیده از رژیم پهلوی، عبارت وفات حضرت زهرا درج شده، دلیلی بر مستند بودن این گزاره است؟ آیا اساساً سردمداران و کارگزاران رژیم پهلوی معرفت عمیق و دقیقی نسبت به مناسبت‌های تاریخ اسلام داشتند که آنچه در تقویم نگاشته‌اند، مبنایی برای قضاوت باشد؟ برای پاسخ به این سؤال، باید به مستندات تاریخی مراجعه کرد. بر اساس صوتی که از جلسه ۲۸ دی‌ماه ۱۳۵۷ شورای امنیت ملی رژیم پهلوی در دست است، شاپور بختیار آخرین نخست‌وزیر شاهنشاهی در آستانه برگزاری راهپیمایی گسترده اربعین سال ۱۳۵۷، قرار دیداری می‌کند که راهپیمایی اربعین آخرین فرصت برگزاری تظاهرات سازمان دهی شده قطایین باشد و تأکید می‌کند: «چون ماه محرم هم که تمام شده [ماه] صفر هم که داره تمام میشه.» یکی از حضار به او می‌گوید: «۲۸ صفر در پیش هست.» در کمال شگفتی بختیار می‌پرسد: «۲۸ صفر چه خبره؟» و پاسخ می‌شنود که سالروز رحلت پیامبر و شهادت امام حسن (ع) است. اینکه آخرین نخست‌وزیر رژیم پهلوی که از قضا با مخالفان لیبرال شاه هم پیوندهایی داشت و درعین حال نخست‌وزیر قدرتمند بود، یکی از مشهورترین مناسبت‌های تاریخ اسلام یعنی تاریخ رحلت پیامبر اکرم (ص) را نمی‌داند و بر کشوری با اکثریت مسلمان حکومت می‌کند، خود نشانگر میزان توجه رژیم پهلوی و حتی بسیاری از تحصیل‌کردگان لیبرال به مناسبت‌های مذهبی است!

اما شبهاتی هم در برای این شبهه تقویمی درباره شهادت حضرت زهرا(س) هست. در واقع برخی به دنبال القای این گزاره هستند که مثلاً بعد از پیروزی انقلاب میزان گرایش مردم به «شاخت اهل‌بیت(ع)» بیشتر شده و این تغییرات تقویمی نه بر اساس واقعیات تاریخی که بر اساس دلخواه مردم و نظام رخ داده است. اینکه گرایش مردم به اهل‌بیت و شناخت فضائل و سیره آن بزرگواران در سال‌های اخیر رشد چشمگیری یافته، واقعیتی انکارناپذیر است و روشن است که دلیل عصبانیت شبهه‌پردازان هم همین است. از نظر آن‌ها مطلوب آن است که مردم چیزی از اسلام و معارف آن ندانند تا افرادی بتوانند بر کرسی قدرت تکیه زنند که اولیات تاریخ و معارف اسلامی را هم نمی‌دانند و مثلاً ۲۸ صفر برایشان غریب و ناآشنا است.

توجه کجسابقه مردم ایران به وجود نورانی حضرت صدیقه طاهره(س) و این محبت چشمگیر و حضور ملموق تصوری مردمی که در رویدادهایی، چون اربعین و سایر مناسبت‌های مذهبی اعجاب جهانیان را به همراه دارد، طبیعتاً موجب غلیان خشم آنانی می‌شود که دیدنای جامعه، دکان دونبش فارتگری و چپاولشان را تخته کرده است. آیین‌هایی که مراد استقلال طلبی سلطه‌ستیزی و ولایتمداری را برای ملت ایران بازخوانی می‌کند، حتماً برای پادوهای استعمار و استکبار تلخ است و با تقویم یا بدون آن سعی می‌کنند آن‌ها را انحطه‌نه کنند.

محمدجواد اخوان

رسانه خبر

برگزاری دومین رویداد ملی مدارس آینده در دی‌ماه

بنیاد برکت سناد اجرایی فرمان حضرت امام(ره): مدیرعامل بنیاد برکت ستاد اجرایی فرمان امام(ره) از برگزاری دومین رویداد ملی مدارس آینده در دی‌ماه با همکاری سازمان نوسازی توسعه و تجهیز مدارس کشور خبر داد. محمد ترکمنه درباره دومین رویداد ملی مدارس آینده، اظهار کرد: سازمان نوسازی توسعه و تجهیز مدارس کشور و بنیاد برکت ستاد اجرایی فرمان حضرت امام (ره) در نظر دارند بر مبنای اهداف سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و برنامه زیر نظام تأمین، فضا تجهیزات و فناوری و افق کشایی های بلندمدت و آینده نگرانه، دومین رویداد ملی مدارس آینده را اعمال برگزار کنند. وی ادامه داد: شرکت کنندگان در این رویداد شرکت‌های تولیدی، موسسات دانش بنیان، شرکت‌های مهندسین مشاور، محققان، ماحبان ایده دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی یا کرهای علم و فناوری خواهند بود. ترکمنه در خصوص محور و موضوعات این رویداد گفت: این رویداد در ۴ محور از جمله مدرسه آینده و نظام آموزشی، مدرسه آینده کانون تربیت و پیشرفت محله (مدرسه در مقیاس شهر)، مدرسه آینده و محیط کالبدی (مدرسه در مقیاس کالبد) و مدرس آینده و تجهیزات و فناوری‌های آموزشی (مدرسه در مقیاس اتاق) برگزار خواهد شد. مدیرعامل بنیاد برکت اظهار کرد: شیوه‌های نوین در تصمیم گیری‌ها و مدیریت کانون آموزش و پرورش (مدیریت درون سازمانی مدیریت مدارس، اهم قرایی نهادها در محوریت قرار گرفتن مدارس در محلات، سامانه‌های ساختمانی و فناوری‌های ساخت، سیستم‌های نوین گرمایشی، سرمایشی و تجهیزات الکترونیکی و استفاده از هوش مصنوعی در فرآیند طراحی ساخت و تجهیز از جمله موضوعات دومین رویداد ملی مدارس آینده به شمار می‌رود. وی تأکید کرد: مهلت ارسال آثار تا ۳۰ آذرماه است و زمان برگزاری این رویداد ۲۰ دی‌ماه خواهد بود. ترکمنه همچنین در خصوص جوایز و مزایای شرکت در این رویداد گفت: حمایت از ایده‌ها و آثار برگزیده توسط بنیاد برکت ستاد اجرایی فرمان حضرت امام(ره) در قالب اعطای تسهیلات، نمایش ایده‌ها و آثار در نمایشگاه و چاپ ایده‌ها و آثار در کتاب مدرسه آینده از جمله جوایز این رویداد به شمار می‌رود. گفتنی است علاقمندان برای کسب اطلاعات بیشتر و ثبت نام به نشانی future.dres.ir مراجعه کنند.

سیگار کشیدن می تواند مغز را کوچک کند

مدیسن نت: یک مطالعه جدید هشدار می‌دهد که سیگار کشیدن مغز انسان را کوچک می‌کند و هنگامی که توده مغزی از بین رفته، برای همیشه از بین می‌رود. لسکن مغز بیش از ۳۲۰۰۰ نفر، ارتباط قوی ای بین سابقه مصرف سیگار با کاهش تدریجی حجم مغز نشان می‌دهد. در حقیقت، محققان دریافتند که هر چند تعداد بیشتری سیگار مصرفی در روز بیشتر باشد، حجم مغز از کمتر می‌شود. «لورا بیروت» نویسنده ارشد این مطالعه و استاد روانپزشکی در دانشگاه واشنگتن در سنت لوئیس، گفت: «کاهش حجم مغز با افزایش سن مطابقت دارد این موضوع با افزایش سن جمعیت مهم است زیرا پیری و سیگار کشیدن هر دو از عوامل خطر زوال مغز هستند» این مطالعه به توضیح مطالعات قبلی کمک می‌کند که سیگاری‌ها بیشتر در معرض خطر ابتلا به زوال مغز مرتبط با افزایش سن و بیماری آلزایمر هستند بیروت گفت: «تاهمین لاخیر، دانشمندان اثرات سیگار کشیدن بر مغز را نادیده می‌گرفتند تا حدی به این دلیل که ما بر روی تمام اثرات وحشتناک سیگار بر ریه‌ها و قلب تمرکز کرده بودیم، اما همه‌طور که ما شروع به بررسی دقیق‌تر مغز کردیم، مشخص شد که سیگار کشیدن برای مغز نیز بسیار مضر است» دانشمندان مدت‌هاست که می‌دانند سیگار کشیدن و حجم کمتر مغز با هم مرتبط هستند. اما نتوانسته‌اند بفهمند که چه چیزی باعث دیگری می‌شود. آنها پی بردند عامل سومی نیز وجود دارد که باید در نظر گرفته شود: ژنتیک. هم اندازه مغز و هم رفتار سیگار کشیدن تحت تأثیر ژنتیک است. در واقع، حدود نیمی از خطر سیگار کشیدن افراد را می‌توان به ژن آنها نسبت داد. محققان برای پی بردن به این رابطه تاریخچه سیگار کشیدن، داده‌های ژنتیکی و اسکن مغزی بیش از ۳۲۰۰۰ نفر را که به عنوان بخشی از پایگاه داده بزرگ بریتانیا جمع آوری شده، بودند، تجزیه و تحلیل کردند. بررسی‌ها نشان داد که استعداد ژنتیکی فرد منجر به سیگار کشیدن می‌شود و سیگار کشیدن باعث کاهش حجم مغز می‌شود. متأسفانه، بنظر می‌رسد این کوچک شدن غیرقابل برگشت باشد. داده‌ها نشان می‌دهد مغز افرادی که سال‌ها قبل سیگار را ترک کرده بودند، برای همیشه کوچک‌تر از مغز افرادی بود که هرگز سیگار نمی‌کشیدند. به گفته محققان، «شما نمی‌توانید آسیبی را که قبلاً وارد شده است خنثی کنید. اما می‌توانید از ایجاد آسیب بیشتر جلوگیری کنید. سیگار یک عامل خطر قابل تغییر است. برای جلوگیری از چیزی مغز و قرار دادن خود در معرض خطر ابتلا به زوال عقل، می‌توانید یک چیز را تغییر دهید و آن ترک سیگار است.»

کدام خدمات توانبخشی برای افراد مبتلا به موکوپلی ساکاریدوز (MPS) تحت پوشش بیمه سلامت است؟

Mucopoly saccharidosis (M